

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵

نقش زنان در فعالیتهای پلیسی (مورد، پلیس زن در کانادا)

نویسنده: مارچل ماجن لیبیوف*

ترجمه: فاطمه رئیسی

چکیده

در این مقاله به مشکلات و مسائلی که زنان پلیس با آن مواجه اند، دقت شده است. موقعیت استخدامی زنان پلیس به بیش و دیدگاه مدیران و فرماندهان آنان در محیط نظامی وابسته است همچنین فراهم نبودن فرصتهای شغلی در نیروی پلیس معضلی برای زنان است. سخت و مشکل بودن ارتقاء شغلی در رده ها و درجه نیروی پلیس زن و پذیرش آنان به وسیله هم رده های مرد از دیگر مشکلات زنان پلیس است. ضمانت اجرایی فرمانهای آنها در جامعه (مخصوصاً برای مردان) و اجرای قوانین به وسیله آنها، مسائلی است که از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه اندیشمندان بوده است. در این مقاله به مشکلات و مسائلی که زنان پلیس با آن مواجه اند، دقت شده است. مسائل دیگری که زنان در نیروی پلیس با آن مواجهند، مشکلات خانوادگی آنهاست؛ بارداری، زایمان، بچه داری و... نیز باعث وقفه در پیشرفت شغلی زن پلیس می شود. علاوه بر کلیشه سازی در مورد زنان پلیس، زنان سیاهپوست و غیره هم متهم به کلیشه های فکری دیگری هستند، که مربوط به نژاد و جنسیت آنها می شود. با وجود چنین مشکلاتی علاوه بر استرسهای شغلی خاص پلیس خیلی از زنان ترجیح می دهند فعالیتهای پلیسی را رها کرده و مشاغل دیگری را انتخاب کنند. و آن دسته از زنان که این شغل را انتخاب می نمایند تمام مشکلات، مسائل سخت کاری را به جان خریدند اند که بتوانند به خدمت خود ادامه دهند.

کلید واژگان: پلیس زن، امنیت، کارکرد پلیس، فعالیتهای پلیسی

* Marcle - Eugene Lebeuf, PH.D. Resercher

مقدمه

از دیرباز واژه پلیس برای همگان تداعی کننده نظم و امنیت شخصی و اجتماعی بوده است. امروز نیز این واژه نه تنها تداعی کننده نظم و امنیت است بلکه در برگیرنده سرعت و دقت جهت نظم و آرامش را نیز به همراه دارد.

با توجه به پیشرفت‌های مختلفی که جامعه جهانی در زمینه های گوناگونی رو به روست و چه بسا حرکتها و چرخشهای سریع تکنولوژی در ساخت و سازهای صنعتی، خدماتی و رفاهی موجب رونق اقتصادی کشورهای در حال توسعه هم شده است. این جوامع به همان میزان که از رفاه عمومی در بخشهای مختلف برخوردار شده اند به مراتب بیشتر از سوی همین تکنولوژی در معرض تهدید و آسیب قرار داده شده اند و یاکم ندیده ایم و یانشنیده ایم که گروههای مختلفی هویت صرفاً برای ایجاد آشوب و فراهم نمودن سرگرمی در کشورهای مختلف ایجاد رعب و وحشت کرده اند. و یا دخالتهای قدرتهای بزرگ در کشورهای دیگر به بهانه های مختلف، از جمله دفاع از حقوق زنان، دفاع از حقوق اقلیتها، آزادی فعالیتهای سیاسی، ایجاد روند دمکراسی، بوجود آوردن نهادهای به اصطلاح مدنی، اسباب زحمت و موجب بروز حوادث و درگیریهای زیادی به دست گروهی از افراد خودباخته یا جریانهای معنادر آن کشور شده اند.

از طرفی دیگر پیشرفت چشمگیر تکنولوژی باعث حرکت سریع جامعه جهانی به سمت صنعت و توسعه در اغلب کشورها، منجر به بالا رفتن تهدیدات امنیتی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی گردیده است.

تمام این مسایل و مشکلات صرفاً در جامعه صنعتی رخ نمی دهد بلکه کشورهای در حال توسعه را نیز شامل می شود. با توجه به اینکه بروز این مشکلات صرفاً از سوی جنس مرد بوجود نمی آید و معمولاً زنان نیز در ایجاد زمینه و بروز و گسترش

دامنه این مشکلات سهم بسزایی دارند و از طرفی در خیلی از مواقع کمک‌رسانی و یا کنترل بحرانهای اجتماعی صرفاً در توان مردان نمی‌باشد و چه بسا در خیلی از موارد اصول اخلاق‌انسانی هم اجازه دخالت مردان را دراموری که صرفاً مربوط به زنان است رانمی‌دهد. بعضی اوقات حتی نیاز است که از نیروی مردان در امور دیگر استفاده شود و لاجرم مجبور به استفاده از نیروی زنان برای اداره مراکز، و نهادها و کنترل بحرانها می‌شویم.

از این روی پلیس به فکر استفاده از توان زنان در امور امنیتی و پلیسی در شهرها گردیده و این امر در جوامع غربی سابقه بیشتری نسبت به جوامع شرقی و خصوصاً اسلامی دارد. نیاز به استفاده از پلیس زن در نیروی پلیس در کشورهایی مثل کانادا به سال ۱۹۳۰ می‌رسد. و استفاده از پلیس زن در گشتهای پلیسی آمریکا، ۱۸۴۵، حتی سابقه بیشتری دارد. استرالیا نیز کشوری است که از نیروی پلیس زن مدت ۳۰ سال است که استفاده می‌نماید. در بعضی از کشورها نظیر، رژیم اشغالگر قدس، بلژیک، دانمارک، از دخترانی که به سن خدمت می‌رسند اکثراً در پلیس استفاده می‌شوند. هر چند که تبعات منفی همکاری زنان با مردان در خیلی از جوامع منجر به بروز حوادثی هر چند غیر اخلاقی شده است، نمونه بارز این امر در پلیس کانادا توسط نویسنده مقاله به تفصیل بیان شده است، ولی اکثر کشورها رضایت خودشان را از بکارگیری پلیس زن، در کنترل شورشها، بحرانها و گشتهای پلیسی ابراز داشته‌اند. در کشورهای اسلامی که مقید به اصولی اخلاقی مسلم اسلامی هستند، این مسئله نمود بیشتری دارد.

و چه بسا در خیلی از موارد مثل بازرسی‌ها، نگهبانان زندانهای زنان، بازجویی از زنان، دستگیری زنان مجرم و... صرفاً نیاز، به حضور پلیس زن می‌باشد.

لذا در کشورهای اسلامی به منظور اجرای احکام اسلام، تشکیل پلیس زن و استفاده از آن در ماموریت‌های خاص ضروری است. توسعه و کارآمد سازی پلیس، ایجاد گشتهای امنیت به وسیله پلیس زن، حمایت از کودکان و زنان آسیب دیده، ایجاد مراکز نگهداری مناسب و مراقبت از قربانیان خشونت، در ادامه این روند باید مورد توجه مسئولین پلیس کشور قرار گیرد. و همچنین اگر نوع آموزش‌های ارایه شده به پلیس زن با توجه به ماموریت‌های آنان در نظر گرفته شود این پلیس می‌تواند کارآمدتر باشد.

در همین راستا در ضرورت تشکیل پلیس زن، سرکارخانم دکتر شایگان، رئیس مجتمع عالی کوثر، دانشگاه انتظامی می‌گوید: اشاره به این که زنان سهم بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه کشور دارند، و در مبادی ورودی و خروجی کشور نمی‌توان زنان را توسط پلیس مرد بازرسی بدنی کرد، همچنین مردان پلیس نمی‌توانند برای ورود به شبکه‌های قاچاق زنان و شناسایی آنان که یکی از روش‌های متداول دستگیری مجرمان است، اقدام کنند، نیاز به پلیس زن را صد چندان می‌کند. در خیلی از موارد جرمهایی که بر زنان عقیف و نجیب وارد شده، به دلیل حفظ آبرو، شرم و حیای مقدس خود، از ظلم و ستم که به آنان آمده، صرف نظر می‌کنند؛ زیرا نمی‌توانند جزئیات ماجرا را به پلیس مرد بازگو کنند.

رئیس مجتمع آموزش عالی کوثر، با اشاره به فعالیت پلیس زن در ایران، گفته است: آزمون رانندگی و صدور گواهینامه برای زنان، صدور گذرنامه، مشاوره در کلانتری‌ها برای مراجعات خانواده‌ها و بانوان و ارایه خدمات مددکاری اجتماعی به خانواده‌ها از مهمترین فعالیت‌های پلیس زن است.

از دیگر ضرورت‌های تشکیل پلیس زن، بازرسی زنان در ایستگاه‌های کنترلی و مبادی ورودی و خروجی کشور، دستگیری و بدرقه متهمان زن، تا دادسرا و

بازجویی از زنان، کنترل اماکن مربوط به زنان و بررسی صحنه جرم زنان، از مهمترین فعالیتهای انتظامی زنان پلیس در ایران است.

لذا باید شرایطی فراهم شود که زنان ضمن انجام وظایف فطری و ذاتی خود، بتوانند در مشاغل پلیسی نیز وارد شده و به یک نیاز اساسی در تمام کشورهای اسلامی پاسخ دهند.

با توجه به اینکه حضور مردان پلیس در شبکه های مخوف قاچاق زنان و یا کنترل اجتماعات زنان توسط پلیس مرد عملی نیست و ارزش های اسلامی حضور پلیس مرد را در صحنه های قتل و قربانی ناممکن می نماید حضور پلیس زن در انجام مأموریت های جنایی و امنیتی را لازم می نماید.

با اشاره به این که توجه به تفاوت های طبیعی بین زن و مرد چه از نظر فیزیکی و جسمی بسیار ضروری است، انتظارات کارکردی، شرعی و فرهنگی که بر جوامع اسلامی حاکم است ایجاب می کند که بعضاً در نوع آموزشها، مکان آموزش و بکارگیری زنان پلیس تفاوتی با مردان پلیس قائل شد.

رئیس مجتمع کوثر نیروی انتظامی با اشاره به سند پیشگیری از جرائم سازمان ملل که در سال ۱۹۹۸ منشر شد، گفته: البته اگر بخواهیم بر اساس این سند عمل کنیم در بسیاری از موارد نیاز به پلیس زن ضروری است.

شایگان برخی از راهکارهای پیشنهادی این سند را شامل، توسعه و کارآمد ساختن پلیس، اتخاذ سیستمهای حمایت از خانواده، گشتهای امنیتی به وسیله زنان در نواحی معین برای مبارزه با جرائم زنان، حمایت از کودکان و زنانی که با آنان بد رفتاری شده، ایجاد مراکز نگهداری مناسب برای حفاظت از زنان قربانی خشونت خانوادگی، مراقبت از قربانیان خشونت های جنسی یا خشونت های زندگی زناشویی بر شمرده است.

پدیده یکپارچه سازی

پدیده یکپارچه سازی به بازبینی مطالب مختلف از جمله نقش زنان پلیس در سازمانها می پردازد. در این پدیده هدف سازمانهای پلیسی، استخدام و ارتقای شغلی زنان پلیس می باشد تا آنها در این سیستم همدوش مردان فعالیت کنند.

نحوه دستیابی زنان به موفقیت در سازمان پلیس

سوالی که در اینجا به طور ضروری باید پرسیده شود شفاف سازی مشکلات زنان پلیس و نقش کمرنگ آنها در نیروی پلیس است. (کویک، ۱۹۹۹)، اگرچه در کانادا بسیاری از این مشکلات کاملاً مشخص شده است (واکر، ۱۹۹۳) بر طبق دیدگاه سیلوربرگ، سئوالات کمی در مورد مشارکت زنان در نیروی پلیس نسبت به حفظ و ایجاد محیطی شده که زنان در آن موقعیت استخدام می شوند. بر طبق دیدگاه شارب (۱۹۹۳) باید محیطی برای زنان در نظر گرفته شود تا تمام استعدادهای آنها به حداکثر برسد. برای مثال، این ابزار، برنامه های آگاه سازی بر اساس آموزش مهارت‌های خاص و عملکردهای متفاوت را فراهم می آورد و محیطی را ایجاد می کند که هر فردی خود را مسئول می داند خودش عملکردش را ارزیابی کند و در خلال برنامه آموزشی، فعالیت و نقصان عملکرد خود را جبران کرده و نظارت زیادی بر روی سرپرستان طرح اجرا می شود. (مک کوی، ۱۹۹۳) به هر صورت، ممکن است اینطور به نظر بیاید که، قضات و مدیران سطح بالا، فرماندهان پلیس و همکاران آنها (مردان) تمایل دارند که همه کیفیت فعالیت زنان به حداکثر رسیده و فرصتهای موازی شغلی مانند مردان داشته باشند. (مک کوی، ۱۹۹۳)

چنانکه محققین خاطر نشان کرده که زنان پلیس مهارت‌های خاصی داشته و دارای استعدادهای شغلی خاص می باشند؛ مثل اینکه آنها به روابط فردی و انسانی

علاقه‌مندند. زنان نسبت به مردان تمایل کمتری دارند که دست به اعمال خشونت بزنند. با این حال، روحیات زنانه برای آنان ناکامی‌هایی و همچنین موقعیت‌های بیگانه‌ای را بوجود می‌آورد که به همین دلیل در فعالیتهایشان محدودیت ایجاد می‌کند. هنوز هم زنان پلیس گزارش می‌کنند که نمی‌توانند مثل یک پلیس واقعی ظاهر شوند و کار پلیسی برای آنان سخت است و از نظر شکل ظاهری و فیزیکی به پلیس شباهتی ندارند. (شرلتر، ۱۹۹۳)

از یک دیدگاه عملی‌تر باید توجه خاصی به برنامه ریزی شغلی زنان پلیس داشت، مسائلی مانند ترک خدمت در زمان زایمان، سازگاری شغلی در خلال دوره زایمان اطمینان از اینکه کارمندانی که به صورت کیفی فعالیت می‌کنند رده شغلی خود را در این زمانها از دست نمی‌دهند زمان مناسب ترک خدمت برای زایمان، مشغول شدن در کار به صورت نیمه وقت، دستیابی به مراقبت در محیط کاری، فراهم بودن جعبه‌های عملی تجهیزات پلیسی مثل پوشیدن یونیفرم و طراحی خدمات دیگر که باید در دسترس زنان باشد (هاین بوتام، ۱۹۹۳ و دیگران)

بر اساس این شغل، زنان پلیس باید با تمام چالشها روبرو شوند، از جمله این چالشها عبارت‌اند از: مورد قبول واقع شدن از جانب دیگران، مبارزه با کلیشه‌های مربوط به جنسیت، تثبیت کردن خود از دید سازمان پلیس، مواجهه با موقعیتهای مشکل ساز که ریشه در رابطه بین مردان و زنان داشته، زندگی کردن در انزوا، غلبه کردن بر مشکلات شخصی و مقابله کردن با آزارهای جنسی.

چرا زنان شغل پلیسی را ترک می‌کنند؟

علت اینکه زنان شغل پلیس را ترک می‌کنند سؤال بنیادی است، برای اینکه مسائل متعددی در زمینه مشکلات زنان برای تطابق و سازش با زندگی نظامی

وجود دارد. این مسائل ساده نیستند و نه تنها به فرهنگ پلیس بودن اشاره دارد، بلکه شرایط کاری و استخدامی آنان نیز با تعهدات کلی شغلی آنها روبروست. یافته های تحقیق نشان می دهد که زنان نسبت به مردان معمولاً از فعالیت پلیسی کناره می گیرند. دلایل شناخته شده نگرشهایی است که کارمندان و فرماندهان پلیس نسبت به آنان پیدا می کنند یا آزارهای جنسی (مور، ۱۹۹۲) تعارضات شغلی، خانوادگی، مادر شدن و تشکیل خانواده (سیبری، ۱۹۹۴) از جمله آنها می باشد.

طی یک تحقیقی که در کانادا بر روی چهار نیروی پلیس انجام گرفته علت استرسهایی که می تواند منجر به پیامدهایی از جمله رها کردن شغل شود بررسی شده است. محققان خاطر نشان کردند که وظایف زنان پلیس نسبت به کسانی که به خاطر تعارضات شغلی و خانوادگی، حرفه خود را رها می کنند رضایت بخش ترمی باشد. به نظر می رسد که برای مردان احساس فشار بیشتری نسبت به این واقعیت وجود دارد، به دلیل اینکه تعهدات و مسئولیت خانوادگی را با یکدیگر باید تقسیم کنند. با این حال منبع استرس بیشتری برای زنان وجود دارد که قابل مقایسه با مردان نیست. در مورد مردان استرس با فشارهای خارج از منزل ارتباط دارد، آنها سعی می کنند در سازمان از نردبان ترقی بالا روند و کارهای بیش از اندازه انجام دهند. (سیگرام، ۱۹۹۲)

همانطور که همه می دانند هم مردان و هم زنان پلیس منابع استرسی دارند که به مسئولیت آنها در سازمان مربوط است، ولی نتایج آن برای هر دو جنس متفاوت است. مطالعه ای در آمریکا بر روی زنان و مردان پلیس به عنوان نیروهای شهری انجام شد که نتایج مشابهی داد. نویسندگان دریافتند که منبع

استرس هم برای مردان و هم برای زنان پلیس (با فرض سه نکته استثنا) وجود دارد.

بررسی شد در بین آنها موضوعات خنده‌دار و شاد ممکن است فوراً به مسئله‌ای غمناک تبدیل شود. وظایف مفروضی که مربوط به امنیت عمومی مردم و همکاران می باشد و این واقعیت شغلی که در همه مسائل مردان غالب هستند زمانی که منابع استرس به نسبت هم برای مردان و هم برای زنان یکسان است مثل تجربه های تلخ، وضع را بدتر می کند. در نتیجه زنان اغلب احساس حقارت یا کهنتری در حوزه شغلی خود دارند.

تدابیر استخدامی و ارتقای شغلی

به طور کلی در برنامه های عملکرد ایجابی افرادی از هر دو جنس، که کفایت و شایستگی یکسانی داشتند، شرکت کردند، زنان اول در این برنامه شرکت کردند، این اولین قدمی بود که در جهت درست برای زنان برنامه ریزی شد. (فلکن، ۱۹۹۳)

بر همین اساس، فاکتورهایی مانند سن و وزن برای استخدام و ارتقای شغلی زنان منسوخ شد. نه به خاطر این تغییرات و نه بخاطر استخدام زنان، بسیاری از مسائل و مشکلات دیگر سر جای خود باقی ماند و حتی افزایش هم پیدا کرد. (والکر، ۱۹۹۳) با اینحال مطالعه کاناداییها نشان می دهد که اگر چه تغییراتی صورت گرفته است و موقعیتهایی هم بدست آمده است؛ ولی این واقعیت هنوز وجود دارد که ۵۰٪ نیروی پلیس هنوز با وظایف زنان در این شهر آشنا نیستند. (والکر، ۱۹۹۳)

آیا در میانه دهه ۹۰ هم احتیاج به برنامه های عملکردی ایجابی وجود دارد؟ این برنامه ها تا چه حد می توانند موفقیت آمیز باشند؟ نتایج مشخص تحقیقات

انجام شده در ایالات متحده در سال ۱۹۷۸ و بازبینی آن در سال ۱۹۸۶ نشان می‌دهد که این‌گونه برنامه‌ها مثل کاهش درآمد مالی دولت برای آژانسهای مجری قانون، مستوجب استخدام زنان در نیروی پلیس شده است و اثر جدی و واقعی بر روی استخدام زنان و گرفته شدن فرصتهای پیشرفت در سازمان پلیس و حتی مانع ارتقای شغلی آنان شده است. (مارتین، ۱۹۹۲) این برنامه‌های عملکردی شامل تغییرات ناگهانی در منابع مالی پلیس، زمینه سیاسی جامعه، و ساختارهای اجرایی قانون در جامعه بود. (فلکتر، اسکرودل، ۱۹۹۳) مسئله‌ای دیگر که در بریتانیای کبیر دنبال شد، تأسیس دو مؤسسه دولتی بود که نام‌های آن یکی کمیسیون متساوی نژادی و دیگری کمیسیون فرصتهای موازی بود که آنها شکایتها را می‌شنیدند و سعی می‌کردند راه‌حل‌هایی پیدا کنند. نتایج فعالیت این کمیسیونها نشان داد که در بعضی از موارد، شکایتها به دادگاه هم کشیده شد. این برنامه نسبت به برنامه‌های عملکرد ایجابی اثر کمتری داشته و نیروی پلیس باید اصولی را برای مواجه شدن با هرگونه رفتار تبعیض آمیز در چارچوب نیروی پلیس، تدوین کند. (مک کینز، ۱۹۹۳)

نقش زنان در فعالیتهای پلیسی

در خلال این دهه، نقش پلیس زن دوباره مانند دهه‌های قبل مورد تحقیق قرار گرفته است، در فرآیند تحقیق تغییرات خاصی صورت نگرفته ولی چگونگی شناخت نقش پلیس زن مورد ارزیابی واقع شده است. شرکت زنان در نیروی پلیس هنوز موضوعی است که اثرات حضور آنان را علی‌رغم مسئولیتهای آنان، اثبات می‌کند. (هاوس، ۱۹۹۳)

ارزیابی مجدد تحقیقی که در بین زنان و مردان استخدام شده در پلیس در بریتانیای کبیر انجام شده، نشان می‌دهد که مردان احساس می‌کنند که جایگاه

زنان بیشتر در خانواده است. به خاطر فقدان قدرت بدنی و تبعات آن، خطرانی که موقعیتهای خصمانه برای زنان ایجاد می کند به نظر می رسد کارمندان پلیس، دید منفی از نقش زنان در پلیس داشته باشند. (فیلدینگ، ۱۹۹۲). اگر هم همینطور به نظر رسد، یکپارچه سازی زنان با مردان بستگی به پذیرش آنها به وسیله هم رده ها دارد که به نظر می رسد قضاوتی شکاکانه در مورد نتایج و ارزیابی این تحقیق می باشد و واضح است که عموم مردم از زنان در این زمینه حمایت می کنند. یک بررسی که نسبتاً جدید می باشد به تصدیق مطالعاتی می پردازد که در خلال دهه های گذشته صورت گرفته و روشن می سازد که عموم افراد عمومی از پلیسهای زن حمایت می کنند برای اینکه تعامل بین پلیس و عموم مردم، یک تعامل سازنده است.

مطالعه دیگری که در آمریکا صورت گرفته عملکرد زنان را مثل عملکرد مردان در پلیس می داند. با این حال خالی بودن جای آنها در شرایط رهبری سازمان پلیس کاملاً مشهود است و مسئله ای است که به نوع خودش قابل بحث است. در حالی که این زنان پلیس هستند که سالها تجربه داشتند و با زحمت آن را بدست آورده اند. بنابراین می توان گفت زنان پلیس مشکلات فراوانی را تجربه کرده اند تا به ارتقای شغلی برسند. این موقعیت می تواند مربوط به فرهنگ پلیس و فشارهای غیر رسمی عوام مردم باشد. (سی، ۱۹۹۱)

سؤال دیگری که از طرف یک محقق کانادایی مورد بازبینی قرار گرفته این است که وی دریافته که زنان در شروع کار در نیروی پلیس، در رده های پایین تر استخدام می شوند. خصوصاً در یگانهای ویژه. با این حال آنها می توانند به رده های بالاتر دست پیدا کنند، به نظر می رسد که ارزیابی عملکرد زنان پلیس برای برنامه ریزی ارتقای شغلی آنها نیاز به تجدید نظر دارد. (واکر، ۱۹۹۳)

اقلیتها در میان اقلیتها

موضوع اقلیتها مسئله‌ای است که اساساً دست نیافتنی است. بر اساس مطالعه‌ای که در آمریکا صورت گرفته، زنان پلیس سیاه پوست با دو مشکل اساسی که در هم تنیده شده و جدانشدنی است، مواجه هستند.

برای مثال اینکه آنها هم سیاه پوستند و هم از جنس زنان‌اند. مشکلاتی که در حرفه آنها منعکس شده، موانع ساختاری و مسئولیتهای روزافزون آنها را نشان می‌دهد. مشکلات مربوط به تبعیضها را بیشتر زنان پلیس تجربه کردند چه سفید باشند و چه سیاه. با این حال زنان پلیس سیاه بیشتر طعم تبعیضهایی را می‌چشند که مربوط به رنگ آنهاست (۶۱٪ زنان سیاه پوست در این تحقیق شرکت کردند و بعد تبعیضهایی که مربوط به جنسیت آنها می‌باشد. (۴۸٪) (مارتین، ۱۹۹۴) مارتین به طور کلی دریافت که وحدت و اتحاد بین زنان می‌تواند این مشکلات خاص را تسهیل کند. همچنین مشکلات به زنان سیاه به دلیل شرایط آنها در جامعه است. با این حال، مطالعه دیگری نشان می‌دهد زنان غیر سفید پوست نیز قبل از استخدام با تبعیضهایی مواجه‌اند به این دلیل که حتی زنان سیاه پوست نیز با زنان سفید پوست در جامعه مقایسه می‌شوند، درصد بالایی از آنان حتی آموزش دوره پلیسی خود را کامل نکرده‌اند. (فلکنز، ۱۹۹۳)

کوتاه سخن

با مقایسه این منابع تحقیقاتی، زنان پلیس در زمینه اجرای قانون شرکای خوبی برای مردان پلیس می‌باشند. در حالی که در ۷۰٪ موارد بخاطر جنسیت خود مناسب به نظر نمی‌آیند، تحقیقات به طور واضح نشان می‌دهد که زنان باید با بعضی از شرایط خاص مواجه شوند که نه تنها سطح قدرت آنها را بالا برده، بلکه فرماندهان و همکاران آنها مطمئن شوند، تا به زنان پلیس روز به روز موقعیت

یکسانی با مردان داده شود که، برای مشاغل خود برنامه ریزی کنند و به سطوح بالای سازمان برسند. در واقع مدیریت پلیس نباید تفاوت زیادی بین زنان پلیس بگذارد، بلکه فرصتهای یکسانی هم برای مردان و هم برای زنان فراهم آورد.

مطالعات زمینه ای تاریخی - آموزش و بازتاب آن

این قسمت به صورت خلاصه آمده است و فصلی است که موضوع های مطرح شده در آن، هر کدام به تنهایی می تواند موضوع تحقیق واقع شود. این بخش با بخش قبلی کاملاً فرق دارد و از نظر ترتیب زمانی، تناسبی با بقیه مطالب ندارد و از این لحاظ انتخاب شده تا جایگاه زنان را در پلیس بیان کند. با این تعریف در واقع، مطالعات تاریخی و وقایع تحلیلی را با بازگشت به سوابق قبلی در این زمینه بررسی کرده و در نظر بگیرید که این فعالیتها در طول زمان ساختار پیدا کرده است. سئوالاتی شبیه سئوالات از قبل طراحی شده که در خلال سه دهه قبل بحث شده و دوباره مورد سئوال قرار گرفته است. با این حال بر اساس روشی است که نویسندگان در مورد آن بحث می کنند و اثرات مختلف این سئوالات را تحلیل می کنند تا عوامل خاصی را به صورت متفاوت آزمایش کنند.

پرتال جامع علوم انسانی

زنان استثنایی

منابع تحقیقات زنان استثنایی را نشان می دهند که در نیروی پلیس دارای پشتکار، شخصیت و انگیزه می باشند که می توانند موانع را از جلوی خود برداشته و موقعیتهایی را بوجود آورند که فرهنگ مردانه دارد. زنان استثنایی کاملاً معروف بوده و دارای درجه و رتبه بودند. در واقع، مثالهای زیادی وجود دارد که می

تواند ما را متقاعد کند که زنان می توانند علی رغم تمام برداشتهای متضاد و متناقض جایگاه خود را در نیروی پلیس تثبیت کنند.

برای مثال در چاپ جدید کتاب ماری کارتینز در سال ۱۷۹۲ بیان شده که او اولین زنی بود که درپاریس به عنوان ژاندارم فعالیت کرده است و به خاطر تدوین قوانین، جزوسی و هفتمین بخش ژاندارمری شد. یک مورد دیگر خانم آلیس استبین والزامی باشد که اولین زن آمریکایی است که در سال ۱۹۱۰ جزو نیروی پلیس شد و حتی قدرت دستگیر کردن مجرمین به او واگذار شد. (مارس، ۱۹۹۳)

ریشه های حضور در نیروی پلیس

ریشه های حضور در نیروی پلیس به صورت متفاوتی به وسیله نویسندگان بریتانیایی و آمریکایی توصیف شده است. با این حال علی رغم چگونگی حضور زنان که قبلاً بیان شده، یک واقعیت باقی است که آنها به نیروی پلیس ملحق شده و مشکلاتی را متحمل شدند که می تواند ارتباط مستقیمی با جنسیت آنها داشته باشد. (بل، ۱۹۸۲)

از دیدگاه آمریکاییها حضور زنان در پلیس به طور مستقیم با پیشگیری جنایت در کودکان رابطه دارد. درگیری شغلی زنان در نیروی پلیس، در تاریخ ایالات متحده به میانه قرن گذشته باز می گردد، البته مسئولیتهای ایشان در آن زمان بسیار محدود بود. نیویورک اولین پلیس زن را در سال ۱۸۴۵ به استخدام در آورد. در آغاز قرن، لولابالدوین اولین زنی بود که اجازه داشت به دستگیری زنان و کودکان مجرم بپردازد. (مایلتن، ۱۹۷۱)

۱۹۱۰ سال خاصی بود، زیرا اولین زن پلیس به صورت رسمی معرفی شد. (پرایز، کابین، ۱۹۸۲). در خاتمه جنگ جهانی اول، در بیش از ۲۰۰ شهر آمریکایی

حق الزحمهٔ زنان پلیس پرداخت می شد. (ماوس، ۱۹۹۳). آنها موفقیت‌هایی را در زمینه اجرای قانون در بسیاری از مناطق بدست آوردند. (در زمینه هایی مثل تجسس، پلیس کوهستان، پلیس هواپیما، پاس دادن باسگ، کنترل جمعیت و...) حتی قبل از اینکه از آنان قدردانی شود.

در بریتانیای کبیر ریشه های نهضت زنان در نیروی پلیس مستقیماً با داوطلبی در سازمانهای نظامی ارتباط داشت و به سنت پاکدینان در قرن ۱۶ باز می گشت، در زمانی که زنان برای حق رأی دست به فعالیتهایی زدند. در سال ۱۹۱۴ این نهضت زنان منجر به موضوعات جدیدتری شد، خدمات پلیس زنان ایجاد شد که یک سازمان کاملاً داوطلبانه بود و باعث جذب زنان به نیروی پلیس شد و دستورالعمل یکسانی از نظر سیستم قضایی برای آن پدید آورد. (جاج، ۱۹۸۹). بعد از این نهضت، در اسکاتلند واحد زنان پاسدار تأسیس شد که در واقع به نوعی پیروزی برای زنان پلیس بود (مانن، ۱۹۷۸). بعد از جنگ جهانی دوم برای زنان دوباره موقعیتی پیش آمد که در نیروهای نظامی مثل پلیس همکاری کنند. (دن، ۱۹۹۲)

قبل از ایجاد در رده های پلیسی، نقش زنان پلیس از نظر قدرت با وظایف و مسئولیتهای آنها رابطهٔ نزدیکی داشت. به عبارت دیگر به آنها تکالیفی مانند اجرای قانون، قدرت دستگیر کردن مجرمان و اجرای مصالحه داده شد. این مسئولیتهای یک مدل پیشگیری از جرم بوجود آورد (ایپر، ۱۹۹۲) این مدل در ابتدا محدود بود، ولی در طول زمان، شامل جرم زنان و کودکان شد و از آن جلوگیری کرد.

کوتاه سخن

مطالب تاریخی وقایع متفاوتی را می توان بررسی کرد، این اطلاعات در بعضی از جنبه ها به هم مربوطاند و در بعضی دیگر خیر.

آنها نشان می‌دهند که سالها تلاش مداوم، زنان را با مسائلی که مربوط به حرفه پلیسی است مواجه کرده است، تا دهه ۹۰ و بعد از آن وظایف زنان پلیس محدود بود، بلکه طبیعت کار پلیس، فرهنگ پلیس های مرد و نگرشهای اجتماعی به طور کلی نه تنها مانع بزرگی بر سر راه زنان بود، بلکه آنها در زمینه مصالحه با مشکلات موفقیت‌هایی بدست آوردند.

نتیجه گیری

زنان با یک ساختار سازمانی روبرو هستند که آنها را از همه جهت محدود می‌کند. همانطور که دیده شد نقش زنان پلیس مثل عملکردشان، کفایت آنان و اجرای قانون به وسیله آنها در یک مطالعه طولانی مورد بررسی قرار گرفت. با این حال تصور و برداشت آنها نسبت به همکاران مردشان مثل فرماندهان، شهروندان و زنان دیگر در هر موقعیتی مورد بررسی و بحث قرار گرفت. بالاخره اینکه حرفه آنان، تجارب و سطح پیشرفتشان در خلال هر دهه مورد تحقیق واقع شد. از نظر زمانی نقش، تصاویر و شغل زنان ارتباط مثلی با یکدیگر دارند که بسیار محکم و بر روی اثرات خارجی غیر قابل نفوذ است. به عبارت دیگر زنان پلیس در میانه این مثلث واقع اند، به بعضی از سازمانهای پلیس دسترسی دارند ولی در همین زمان با محدودیتهایی مواجه اند که باید با هم هماهنگ شوند.

موضوع قابل بحث، چالش بین نقشهای زنان در نیروی پلیس است که باید هم برای زنان عادی و هم برای زنان پلیس در نظر گرفته شود. در واقع این مسئله در بین کارمندان پلیس مورد بررسی واقع نشده است. ورود زنان به پلیس و هماهنگی با این حوزه کاری سئوالهای زیادی را برانگیخت که بعضی از این سئوالها مربوط به زنانگی و زن بودن آنها بود. آنها چگونه می‌توانستند با تفکرات

کلیشه‌ای رایج در جامعه کنار بیایند. این نوع سئوالها، نقش شرکت مثبت زنان پلیس را نه تنها در محیط کاری، بلکه در کل نیروی پلیس نشان می‌داد. زحمت زنان پلیس غیر قابل انکار است. این گفته از تحقیقات دهه ۹۰ به بعد به دست آمده است.

اگر ما بدقت فرض کنیم یک زن پلیس می‌تواند در آن واحد همسر و مادر خوبی هم باشد. برای مثال می‌تواند دو نقش را با هم ترکیب کند، که یکی از آنها شغلش است و دیگر مسئولیت شخصی اوست.

به نظر می‌رسد زنان در سازمانهای پلیس با درک و شرایط کاری می‌توانند شرایط زندگی را هم داشته باشند و الویتهای خود را تعیین کنند، پس می‌توان فرض کرد که مشارکت زنان بعنوان کارمند در ساختار سازمانی گسترده پلیس بهتر می‌باشد، زیرا نه کاری است که طاقت فرسا باشد و نه بسیار سستی و جهت مثبتی را طی می‌کند.

چنانکه روشن است در این تحقیق زنان مشکلات تکنیکی و فناوری دارند در حالی که تمام تلاش خود را می‌کنند مشکلات را حل کرده و تمام کفایت خود را بکار گیرند و اثر مستقیمی بر روی عملکرد خود بگذارند. برای مثال کار کردن با مسلسل یک مشکل اساسی برای زنان است، زیرا بر اساس دست مردانه طراحی شده است؛ به همین دلیل اسلحه‌های دیگری که مناسب نیاز زنان است باید ساخته شود. پس با فراهم کردن ابزار مناسب می‌توان این مشکل را حل کرد. این مسائل می‌تواند ابزاری باشد که با قضاوتها و پیش‌داوریهای مربوط به جنس ضعیف و عملکرد غیر استاندارد زنان مبارزه می‌کند.

Reference English

- 1-ABRAMOWITZ,A,CRITES,L,GATES,MINTZ,E,SANDLERM,G.(1974) Women in policing.A Manual.Washington: police Foundatin.
- 2-Abrecht,M.E,STERN,B.L(1976).Making of a Woman Cop.N.y:William Morrow and Company,Inc
- 3- AMIDON ,L.A(1986) (Ladies in Blue):Feminism and Policing in Britain in the late Nineteenth and Early Twentieth Centuries. Ann Arbor, MI: University Microfilms Intemational.
- 4- ANONYME(1989).Women.Fifteen Years of Expenence in the RCMP.RCMP Gazette,51,11:21-23.
- 5- ANDERSON,D.J.(1976).Evaluation of the Methodolocal and Policy Implications of the District of Columbia Policewomen on Patrol Study .Ann Arbor,ML:University Microfilm,ML.
- 6-APPIER,J.(1992).Preventive justice:The Campaign For Women,Women and Criminal justice,4,1 36-3
- 7- ARMAT,V.(1975).Poice women in Action in George Henderson(ed.) Police Human Relations.Springfield:Charles Cthomas.
- 8- ATKINSON,J.(1980).Affirmative in Action in police Department,Denver Civil Service Commission.
- 9- A YOOB,M.F.(1987).PERSPECTIVES ON female Troopers.TROOPER,3,2:32- 35,99-101, 103,105.
- 10-BARTLETT,H.W:ROSENBLUM,A(1977).Policewoman Effectiveness .Denver:DENVER police Department,Denver Civil Service Commission.
- 11-BARTOL,C.R,BERGEN ,G.T:VOLCKNS,J.S:KNORAS,K.M(1992).Women in Small-Town Policing:job Performance and Street. CRIMINAL Justice and Behavior,19,3:240-259.
- 12- BASS,M.(1982).Street.Awoman Officer,s View .Police Stress,5,1:30-33.
- 13- BECKE,S.C.(1973)..LAW enforcement. The feminine Angle.International JOURNAL OF offender Therapy and Comparative Criminology,17,2:196-201.
- 14- BELL,D.J.(1982).POLICEWOMEN- Myths and Reality.Journal of Police Scince and Administration,10,1:112-120.
- 15-BELKNAP,J:,SHELLY,J.K.(1993).New Lone Ranger:Policewomen on patrol.American journal of plice, b12,2:47-75.
- 16-BERG,B.L:,BUDUNICK,K,J.(1986).Defeminization of Women in law Enforcement.A New Twist in the Traditional Police Personality ,journal of Police Science and Administration ,14,4:314-319.
- 17- BERG,B.L:,B:,KLEIN,C:,ARNESEN,N.(ed.)(1980).Affirmative Action. Equal Employment Opportunity in the Criminal Justice System.A System.

- 18- A Selected Bibliography. U.S Department of justice: National Institute of justice.
- 19- CHARLES, M.T. (1982). Women in Policing. The Physical Aspect. *Journal of Police Science and Administration*, 10, 2: 194-205.
- 20- CLARK, E.B. (1978). Career in Police Work. *Policewomen Speak for Themselves*. *Womens Work*, 4, 5: 14-23
- 21- C.J. The Americas (1991). Police Foundation Study Points Out Problems Of Women Police. *C.j. The Americas*, 4, 3: 7.
- 22- CRITES, L. (1973). Women in law Enforcement. Management information Service REPORT, 5, 9.
- 23- DAVIS, J.A. (1984). (perspectives of policewomen in Oklahoma). *Journal of police Science and Administration*, 12, 4: 395-403.
- 24- Davis, I.G. (1976). *Police Women in American Society – A Preliminary Survey*. Monticello: Council of Planning Librarians.
- 25- DENE, E. (1992). Maternity Rights for Policewomen Within the E.C. *POLICE JOURNAL*, 65, 1: 21-25.
- 26- DREIFUS, C. (1980). People Are Always Asking Me What I'm Trying to Prove. *Police Magazine*, 3, 2: 18-25.
- 27- DREIFUS, C. (1982). WHY Two Women Cops Were Convicted of Cowardice in Barbara Raffel Price and Natalie j. Sokoloff (eds). *Criminal JUSTICE System and Women*. N.Y: Clark Boardman Cmpny, ltd.
- 28- DUTTON, A, BRITT, B. (1977). *Recruitment and Retention of Females in law Enforse ment Occupatins*. N.Y: national Urban LEAGUE, LNC,
- 29- FEINMAN, C. (1980). *Women in the Criminal justice System*. N.Y.: Preager publishers.
- 30- FELKENESG, T.; SCHROEDEL, J.R. (1993). Case study of Minority Women in Policing. *Women and Criminal Justice*, 4, 2: 65-89.
- 31- FIELDING N., - FIELDING, J. (1992). A Comparative Minonity: FEMALE RECRUITS TO A British Constabulary Force.
- 32- FOREMAN, L. (1978). At the Crossroads? - The function of Police women in Victoria, Australia. Australia: Criminology Reasearch Council.
- 33- FRY, L.J. (1983). Preliminary Examination of Factors Related to Turnover of women in law Enforcement. *Journal of Police Science and Administration*, 11, 2: 149-155.
- 34- GARMIRE, B.L. (1974). FemaLE Officers in the Department. *F.B.L. Law Enforcement Bulletin*, 43, 6: 11-13.
- 35- GARRISON, C.G.; GRANT, N.; McCormick, k. (1988). Utilization of police Women. *Police- CHIEF*, 55, 9: 32-35, 69-73.
- 36- Gend into (1995). *La gendermerie au feminine*, 175, 11-20.

- 37-GLATZLE,M.,FIORE,E(1980)Muggablemary.Englewood Cliffs,NJ:Prentice-Hall,Inc
- 38-GOLDEN,K.M.(1982).Women in Criminal justice. Occupational interests. Journal of criminal justice,10,2:147-152.
- 39-GREENWALD,j.E.(1976).Aggression as a Componete of Police-Citizen Transactions.
Male and Female Police Officers.University Differences Between
MICROFILMS,Ann Arbor ,MI.
- 40- GREENNAN,S.E.(1978).Findings on Role of Officer Gender in Violent Encounters with citizens.Journal of police Science and Administration,15,1:78-85.
- 41-HALE,D.C.(1992).).Women in policing in Gary W.Cordner and Donna C.Hale(eds.)What Works IN policing: Operations ad Administration Examined .CINCINNATE:Anderson Publishing Company.
- 42-HAMILTON M.E.(1971).Police Women:Her Service and Ideals.N.Y:Arno Press.
- 43- HAMLITON ,A.(1990).Report Frome the international Conference for Policewomen. Law and Order, 38,6:56-59.
- 44- HEFFNER,P.A.(1976).Impact of Police women on Patrol. Contributions of sex Role Stereotypes to Behavior in Astereotypic Setting.Ann Arbor University Microfilm.
- 45- HERNANDEZ,E.(1982).females in law Enforcement .Femininty,Competence, Attraction ,and Work Acceptance. Criminal Justice and Behavior ,9,1:13-34.
- 46-HIGGINBOTHAM,J.(1993).pregnancy and Maternity leave Policies :the lagal .F.B.I.Law Enforcement Bulletin,62,3:27-32.
- 47- HILTON,J.(1976).women in the police Service .police journal ,49,2:93-103.
- 48-HIRSCHMAN,J.E.(1993).Uniforms Improve for Femal Officers.law and ORDER,41,8:37-40.
- 49-HORNE,P.(1980).Physical Aspects of policing .law and Order ,28,9:83-87,89.
- 50-HORNE,P.(1979).Policewomen.2000A.lawandOrder,27,3:48,50,52,54,56 ,58,60,62-63,72-75.
- 51- HORNE,P.(1975).Policewomen and Intemational Womens Year.law and Order ,23,10:66-70.
- 52- HORNE,P.P(1972).Role Of Women In law Enforcement .Los Angeles: California State University,Los Angeles Department of Ceriminal Justice.
- 53- HOUSE,C.H.(1993).Changing Role Of Women in law Enforcment.Police Chief,60, 10:139-144.

- 54-JACOBS,P.(1992).Public Perceptions of Women in Policing.C.j.the Americas ,5,2:13-16.
- 55-JACOBS,P.(1978).How Female Police Officers Cope with a Traditionally Male Position.Sociology and Social Research,72,1:4-6.
- 56- JOHNS,C.J.(1979).Trouble With Womenin Policing .Attitudes Arent Changing. CRIMINAL justice Review,4,1:33-40.
- 57- JOHNS,C.,BARCLAY,A.M(1979).Female Partners for Male Police. The Effect on Shooting Responses. Criminal JUSTICE AND Behavior ,6,4:327-338.
- 58-KEEFE,M.L.(1981).Overview of Equal Opportunity in Plicing for Women.U.S.:Business and Professional Womens Foundation.
- 59- KENNEDY,D.,B,HOMANT,R.J(1981).Natraditional Role Assumption and the policee women. Journal of Police Science and Administration ,9,3:346-355.
- 60- KNOOHUIZEN,R,GUTMAT,(1974).Women in police Work in chcago. Chicago: Chicago law Enforcment Study Grop.
- 61-KOENIGE.J,JUNI,S.(1981).AttitudesToward policewomen-A Study of Interrelationships and Determinats. Journal of plice Science and Administration,9,4:463-474.
- 62- KRUCKENBERG,J(1974).Women in policing- refections of a changing community. Part 1.police law Quarterly,4,1:23-33.
- 63-LANCASTER.D.(1983).One Womans Struggle.Plice Product News,September,42-43.
- LEHTINEN,M.W.(1976).Sexism in police Departments.Trial,12,9:52-55.